

علیه درون خوری تشکیلاتی

مقدمه

در جوامعی که ستم طبقاتی و ستم امپریالستی مثل سرزمین به خون تپیده ما بیداد مینماید، طبقات مختلف چنین جوامعی بنا بر منافع طبقاتی خویش یا، خودستمگر مؤید تجاوز بوده و یا هدف آن واقع می شوند و علیه آن می ایستند. از موضع همین منافع اجتماعی است که طبقات و نیروهای سیاسی در قبال رویدادها و روند های سیاسی واکنش متفاوت نشان داده متناسب به آن موضع گیری می نمایند.

جوامع عقب نگهداشته شده نظیر کشور ما، در نتیجه کندی و عدم رشد سالم و یا رشد معوج نیروهای مولده بالتر سيطرة حاکمیت ارتجاعی و موجودیت بیشتر از یک نوع مناسبات تولیدی در پهلوی سیادت همه جانبه امپریالیسم، ساختار طبقاتی پیچیده داشته و طبقات و اقشار اجتماعی آن، برخلاف کشور های پیشرفته سرمایه داری دارای افکار و مرز بندی و تفکیک طبقاتی روشن نیستند. مع الوصف چنین ویژه گی، بازهم هر جریان سیاسی بر حسب منافع طبقاتی پایه اجتماعی اش عرض اندام نموده و نمی تواند از آن موضع طبقاتی عدول نماید، ولو اینکه جامعه مفروض عقب افتاده و از لحاظ اقتصادی نارس هم باشد. وجود عینی طبقات و سلطه اقتصادی طبقاتی در چنین جوامع هم بازتاب دهنده ضرورت و زاینده افکار و مؤسسات روبنائی سیاسی. حقوقی آن جامعه است. بناء هیچ جریان سیاسی در جامعه طبقاتی وجود ندارد که خواست و منافع ماورای طبقاتی داشته باشد.

حاکمیت های خشن استبدادی، سلسله های دودمانی مورثی استبداد شرقی (دسپوتیزم)، همراه با سيطرة دیرپای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم فئودالی و یورش های وحشیانه مکرر متجاوزین توانسته است سیر تکامل تاریخی جامعه ما را به کندی و انحراف بکشاند و تأثیرات مخرب خود را بر شعور اجتماعی مردم تحت سلطه باقی گذارده و باعث قطع رابطه جامعه با گذشته تاریخی. فرهنگی آن گردد.

مذهب از آوان ظهور طبقات به مثابه مدافع طبقات حاکم و آسمانی جلوه دادن حاکمیت آنها، به اغفال توده های تحت ستم عمل نموده است و همچنان عوامل تاریخی چندگانه در تحت سلطه طبقاتی نیروهای

ارتجاعی، زمینه را برای رشد مذهب، خرافات و تصوف و استمداد جستن از نیروهای غیبی مساعد ساخته و توده های ستمکش را به سوی تخدیر معنوی، انفعال و بی تفاوتی در مقابل ستمگران کشانیده است. اما برهه های مختلف تاریخی شاهد قیام و شورش ستمکشان به محض ایجاد کوچکترین شگاف در سیستم حاکمیت بوده است. این عصیان های برحق ستمکشان با آرمان های آزادیخواهانه به، دلیل بی بهره بودن از افکار و روش های علمی مبارزاتی و عدم تناسب قوی دو طرف، همواره قرین موفقیت نبوده است. یعنی به رغم دستاوردهای ناچیز منجر به آزادی انسان از بند و اسارت نگردیده است.

اما به قدامت ظلم و ستمگری در جهان، مبارزات محکومان عیله حاکمان ستمگر وجود داشته، و ستمکشان با تجربه اندوزی و درس آموزی از آن، در فراز های بعدی مبارزه ابزار و روش های مبارزاتی و اشکال سازماندهی را برای نیل به پیروزی بنا بر ضرورت ابداع کرده و تکامل بخشیده اند. تجارب تاریخی گواه آنست که بدون تئوری علمی انقلابی و ابزار تشکیلاتی تحقق و تلفیق تئوری با روش های مؤثر عمل انقلابی و تکامل پیوسته آن، طبقات و خلق های تحت ستم نمی توانند بساط ستمگری را برچینند.

اشکال تبارز درون خوری تشکیلاتی :

در کشور های تحت ستم دارای ساختار اجتماعی - اقتصادی نیمه مستعمراتی / مستعمراتی - نیمه فئودالی تعداد زیادی از روشنفکران و سایر خرده مالکان شهر و روستا بنا بر موقعیت ستم کشی شان به سوی انقلاب و تشکلات انقلابی روی می آورند. وجود افکار مخالف و متضاد در درون یک تشکل انقلابی بازتاب دهنده وجود طبقات و لایه های اجتماعی در سطح جامعه است. در درون سازمان و حزب پیشرو انقلابی مبارزه میان دو خط (خط ایدئولوژیک - سیاسی پرولتری و خط ضد یا غیرپرولتری) وجود دارد به و عنوان بازتاب وجود عینی طبقات

ادامه می یابد. این مبارزه ایست اجتناب ناپذیر و از دید هر دو خط لازم و مبتنی بر قانون دیالکتیکی تضاد. درون خوری تشکیلاتی ناشی از موقعیت طبقاتی خرده بورژوازی - خرده مالکی اعضای سازمان های انقلابی است. خرده بورژوازی نه در موقعیت طبقه کارگر اقتصادی خود دارای حالت دوگانه و بی ثبات است. خرده بورژوازی نه در موقعیت طبقه کارگر قرار دارد و نه در موقعیت طبقه بورژوازی، بلکه آمیزه ای از این دو است. بنا به گفته مارکسیم گورکی " او در هر عروسی، داماد و در هر تشیع جنازه ای، فقید است."

رشد و تمرکز صنعت، سرمایه و حتی زراعت در نظام سرمایه داری بر ویرانه های فئودالیسم عامل ورشکستگی خرده مالکان شهر و روستا و تجزیه اقشار خرده بورژوازی به طرف طبقه کارگر و بورژوازی بوده است. در کشور های تحت سلطه مثل افغانستان خرده بورژوازی به عنوان یک طبقه ستمکش همواره در معرض ستم فودالی. بوروکراتیک و مظالم امپریالستی بوده و از جایگاه قبلی خود دور میگردد و سیر زندگی دیگر برایش مجال برگشتن به جایگاه از دست رفته قبلی را نمی دهد. این موقعیت اجتماعی ستمکشی و اعمال ستم چند لایه، زمینه های ذهنی تحول طلبی، چنگ زدن به اندیشه های انقلابی و در نتیجه پیوستن و همراهی اقشار روشنفکر و غیر روشنفکر خرده بورژوا با موج های تحولات انقلابی علیه امپریالیسم، فئودالیسم و بورژوازی کمپرادور را مساعد می سازد. در شرایط اوج ستمگری ارتجاع و امپریالیسم، عصیان خرده بورژوازی به نقطه انفجاری رسیده و برای فوران آن، خرده مالکان شهر و ده به سازمان ها و احزاب انقلابی می پیوندند. با ورود به سازمان های انقلابی و سایر گردان های انقلابی، خرده بورژوازی افکار و جهان بینی خود را که زاده موقعیت اجتماعی بی ثبات و متزلزل اوست، با خود به سلول های تشکیلات انقلابی می برد. تغییر افکار و خصال خرده بورژوائی که شرط اساسی تغییر انقلابی فرد خرده بورژوا است، پروسه ای است طولانی و تدریجی و اغلب از تغییر شرایط عینی و واقعی آنها عقب تر می ماند.

در صورتیکه اعضاء و کادر های یک تشکل انقلابی از طریق آموزش و مبارزه درونی ایدئولوژیک مداوم و شرکت در مبارزه عملی نتوانند به تغییر افکار، منش ها و خصائل خرده بورژوائی نایل آیند، به سهولت می توانند سازمان انقلابی را بیالاید.

پایه های عینی و ذهنی درون خوری تشکیلاتی در موقعیت اجتماعی خرده بورژوائی، در تفکر خرده بورژوائی، در فقدان پراتیک داغ مبارزاتی که هر ادعا را محک بزند و زنگار فکری. خصلتی خرده بورژوا را بزدايد؛ در تقابل ایدئولوژیک اندیویدوآلسمیم (منش فردی) خرده بورژوائی و کولکتویسم (جمع گرائی) پرولتری در سازمان های انقلابی تبارز می کند. ایدئولوژی اندیویدوآلسمیم و منش های خرده بورژوائی در تقابل با کولکتویسم پرولتری در اشکال تکروی ها، تصامیم فردی، خود را مافوق تشکیلات دانستن، فعال مایشاء بودن، به فیصله ها و تصامیم جمعی تشکیلاتی بی اعتنا بودن، سریاز زدن از دستور ها و رهنمود های کاری رهبری منتخب و باصلاحیت تشکیلاتی، قبل از اخذ دستور از مراجع رهبری تصمیم گرفتن و عمل کردن، پیشنهاد و یا انتقاد ولو سازنده و وارد را نپذیرفتن، انتقاد را با انتقاد جواب دادن، و غیره موارد در پراتیک و سبک کار اعضاء و کادر های یک تشکل انقلابی مجال تبارز عملی می یابد.

دلیل جا افتادگی درون خوری تشکیلاتی را در تفکر عملکرد کادر ها و بدنه سازمان انقلابی، چنین برمی شماریم:

۱- کمبود کادر های متعهد و مستعد به تطبیق خط انقلابی؛

۲- فقدان و یا ضعف آموزش تئوریک مداوم و مبارزه درونی ایدئولوژیک علیه افکار، گرایش ها و روش های

انحرافی از موضع خط فکری - سیاسی و اصول تشکیلاتی انقلابی؛

۳- کم کاری، بی عملی و گرایش به پاسویته مادر تمام انحرافات مخرب در یک سازمان انقلابی است؛

۴- فقدان تلاش مؤثر امر در اجرای خط انقلابی و نفوذ مادی آن در میان توده ها؛

عوامل اساسی فوق ضمن کاستن از نیروی مبارزاتی یک گردان انقلابی به گفته رهبر « خصم امپریالیسم و ارتجاع »

در شرایط فقدان مبارزات دایم و داغ عملی، زمینه های تبارز درون خوری را زاید در یک سازمان انقلابی در اشکال زیر مساعد می سازد:

۱- خود شیفتگی و خودستائی و تنفر از انتقاد دیگران؛

۲. برتری جوئی و جاه طلبی؛

۳- برخورد قلدرمنشانه و غیر رفیقانه در مقابل رفقاء؛

۴. برخورد پدرسالارانه در مقابل جوانان طبق هیرارشی فئودالی و عدم تمایل به ارتقاء آگاهی و رشد شخصیت فکری. اجتماعی رزمندگان جوان و کم رشد در راستای تکامل تعهد احساسی آنان به تعهد فکری

• سیاسی و تشکیلاتی آگاهانه و رزمجویانه؛

۵- تمایل به منفعت جوئی و راحت طلبی و در برخی موارد توجیه آن؛

۶- عدم صداقت انقلابی؛

۷- فقدان اراده و اعتماد به نفس.

راه های غلبه بر انحرافات فکری، سیاسی و تشکیلاتی:

باید سطح آگاهی ایدئولوژیک. سیاسی را از طریق آموزش منظم مبانی تئوری انقلابی (م ل ا) ارتقاء بخشیده و با استفاده از فحوای آن با راه اندازی مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی، به وحدت فکری. سیاسی دست یافته وبدون تعلل با تطبیق موازین آئین نامه ئی مثل «انتقاد و انتقاد از خود» و «سانترالیسم دموکراتیک» تعریف شده در آئین نامه سازمان (نه تعریف من درآوردی)؛ انسجام تشکیلاتی و وحدت اراده و عمل سازمان را به دست آریم.

• نقش کادرها در تطبیق خط مشی یک حزب و سازمان انقلابی در جریان مبارزه انقلابی برای رسیدن به اهداف مطروحه آن نهاد، اهمیت ویژه ئی دارد. استالین در خصوص نقش کادرها در تطبیق خط مشی یک تشکل انقلابی گفته است: «پس از اینکه مشی سیاسی معین شود، کادرها تعیین کننده میشوند». تمامی کادرها و اعضای سازمان مکلف اند در بدترین حالت مطالعات خود را در مورد تاریخ، کشوردر مورد سه منبع و سه جزء تکامل یابنده مارکسیسم و هکذا تاریخ احزاب انقلابی و انقلاب های جهانی بخش ارتقاء بخشند.

این پژوهش ها و دریافتهای اجتماعی. تاریخی باید مبتنی بر قوانین و روشهای ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی باشد.

• در امور تشکیلاتی باید اصول زندگی دموکراتیک را تحت رهنمود دایمی ستاد رهبری کننده سازمان اصولاً اجراء کرد. تمامی ارگان های سازمان باید آگاهانه از دساتیر و رهنمود های اصولی مرکزیت پیروی نمایند. مضمون دساتیر و رهنمود های مرکزیت سازمان باید در حلقات تشکیلاتی توسط دبیر حلقه به اعضا تفهیم شده و باید کاملاً قابل درک و پذیرش گردد در این جریان است که ارگان رهبری منتخب به حیث تجسم مرکزیت و انضباط آگاهانه و مدافع و ممثل منافع کلی جمع، در ارتباط ارگانیک با بخش های سازمانی در پرتو اصل سانترالیسم دموکراتیک، می تواند با برخورداری از اوتوریتته (اقتدار) جمعی، رهبری متمرکزی را به شیوه دموکراتیک اعمال نموده و در امر اجرای وظایف نتایج خوبی بدست آورد.

• کاربرد سلاح انتقاد بهترین وسیله استحکام و تکامل تشکیلات انقلابی است، اما نباید عیب جوئی و انتقام

جوئی شخصی از آن مستفاد شده و یا در خدمت انتقام شخصی قرار گیرد .

- انتقاد باید دارای جنبه سازنده باشد. هر انتقادی در هر زمینه ئی باید توأم با ارائه بدیل باشد، نه انتقاد صرف . زیرا انتقاد صرف مشکل گشا نیست . نباید روی موضوعات غیراساسی به درون خوری تشکیلاتی پرداخت و صبح را شام ساخت .
- باید انتقاد در داخل سلول های تشکیلاتی صورت گیرد، نه در خارج آن .
- درانتقاد نمودن باید اصل " تداوی مریض به غرض نجات او نه برای نابودی او" به کار گرفته شود .
- «تشکیلات یعنی ارتباط - ارتباط - ارتباط .» بدون ارتباط متقابل کارا و همدمند ، هیچ سازمانی نمیتواند ادعا کند که صاحب تشکیلات است .
- در مورد تشکیلات باید به چند انحراف نظری - عملی توجه دقیق داشت : جلوگیری از گرایشات مضره لوکالیسم و فراکسیونیسیم ، بی برنامه گی، علنی گرائی و مراعات نکردن پرنسیپ های مخفی کاری، و اغتشاش در مساله عضویت .

در یک زمان واحد نباید چندین وظیفه مرکزی را برگزید . چنگ انداختن همزمان به چندین حلقه به عنوان حلقه های کلیدی خود سبب پراکندگی در امور و هدر رفتن نیرو میشود . باید در یک زمان یک وظیفه مرکزی وعمده را محکم گرفت که بالای سایر امور تأثیر رهگشایانه و تسریع کننده داشته باشد . در عین پرداختن به وظیفه مرکزی به عنوان حلقه کلیدی و اساسی کار، باید به موضوعات فرعی و غیر عمده نیز توجه داشت. در صورت بروز مشاجرات درون سازمانی ، طرفین فردی یا جمعی باید موارد مورد مشاجره حل نشده را با استدلال و فاکت های لازم به صورت کتبی بابت داوری و حل نهائی آن موارد ، به مرکزیت سازمان ارسال بدارند . رهبری باید پس ازاستماع یا مطالعه گزارشات حاوی ادعا، استدلال و فاکت های هر دو طرف ، به تحلیل کنه ادعا و استدلال طرفین پرداخته و با توجه به اصول و منافع جمعی از ، موضع صلاحیت سازمانی به اصدار احکام و استنتاج پردازد . اینست طرز درست، منطقی و کارساز حل اختلاف نظر میان آحاد سازمان و شیوه مقتضی جلوگیری از درون خوری غیرلازم و هدر دادن پتانسیل مبارزاتی سازمان و کادر های سازمانی .

- در درآمیزی با توده های مردم است که ظرفیت مبارزاتی سازمان ارتقاء می یابد .
- اگر " لشکر به علم نیاز دارد ، به علم برداران استوار واز خود گذر نیز نیاز است. و فقط کسی میتواند این علم را بر روی شانه های خود بردارد که افراد لشکر پیشقدمی و جانبازی او را در راه رسیدن به هدف در عمل ببینند زنده یاد." « رهبر».
- رهبری ای که نتواند از خط مشی فکری . سیاسی سازمان دفاع و پاسداری L ایدو موازین تشکیلاتی را با قاطعیت و شفافیت به کار ، بنددخود به درون خوری غیرضرور وهرج مرج پا می دهد .

رفقای ما قبل از همه باید این حقیقت را درک نمایند که دشمنان ما در قدم نخست کوشش مینمایند تا کادرهای سازمان را نابود نمایند، چه آن ها این را خوب دریافته اند که تربیت یک کادر چندین سال را دربرمی گیرد.

بناء، نکاتی را که ما بر اساس تجارب خونبار خود باید مدنظر داشته باشیم ، این است که از کادر های خود دقیقاً مواظبت ونگهداری لازم بداریم . هر چه بیشتر باید در اختفای کادر های سازمان بکو شیم و به چهره های ناشناخته و شناخته پوشش طبیعی مناسبی درست کنیم تا در عین مصئونیت نسبی هر رفیق کادر، تحرکات مبارزاتی وی تضمین شود . به خاطر داشته باشیم که دشمنان ما به تعقیب فعالترین ما می پردازند.

در مورد مسأله کادرها، همه رفقا را فرامی خوانیم تا به نکات زیر عطف توجه کنند :

- شناخت همه جانبه از کادرها ؛
- ارتقاء همه جانبه کادرها باید بی وقفه انجام گیرد ؛
- تقسیم بندی دقیق وظائف کادرها ؛
- کمک منظم به کادرها ؛
- نگهداری ومواظبت از کادرها .

در مورد قضاوت در باره کادرهای انقلابی مائوتسه دون چنین رهنمودی دارد :

«ما نباید قضاوت ما را در باره یک کادر فقط به یک دوره کوتاه یا یک واقعه مشخص از زندگی او محدود کنیم ، بلکه باید تمام زندگی و مجموعه کارهایش را در نظر بگیریم . اینست اسلوب اصلی قضاوت در باره کادرها» .

ما باید طرز درست استفاده از ظرفیت ها، خلاقیت ها و استعدادهای کاری کادرها را بیاموزیم و مبتنی بر شناخت دقیق از توانمندی های ذاتی و کسبی هر کادر انقلابی ، او را به وظیفه ای بگماریم .

هیئت رهبری سازمان در تحلیل نهایی در جریان رهبری کلیه امور سازمانی و مبارزه انقلابی در پرتو خط ایدئولوژیک . سیاسی سازمان، دارای دو مسئولیت عمده میباشد : ایده دادن واستفاده از کادرها ، نقشه کشیدن ،تصمیم گرفتن ، رهنمود و دستورصادر کردن .

صفات یک کادر خوب :

- وفاداری واعتقاد خلل ناپذیرآگاهانه به مبانی تئوری انقلابی؛
- تعهد نظری و عملی در پیشگاه طبقات زحمتکش و در قبال منافع ملی و اجتماعی توده های مردم؛
- پیوند نزدیک با توده ها واحساس نمودن نبض زندگی آنها ؛ ودرک نیازمندی های مبارزاتی با توجه به اوضاع مشخص.
- داشتن جسارت انقلابی در اوضاع و دشوارسرنوشت ساز؛
- استواری و آبدیدگی بلشویکی در مقابله با دشمنان طبقاتی . ملی وانحرافات ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی .

در انتخاب کادرها و سپردن وظائف سازمانی و ارتقای آنها و نفوذ در میان توده های مردم، به طور مداوم باید اخلاق انقلابی کادرها را در نظر داشت . زنده یاد رهبر در مورد اخلاق انقلابی چنین میگوید:

«کسانیکه از بام تا شام عرق میریزند تا برای خود و خانواده خود نان تهیه کنند ، ولی حاضر نیستند حتی یک ساعت هم زیر آفتاب به خاطر سازمان وانقلاب بایستند ؛ کسانیکه برای کارهای شخصی خود هیچ امنیتی نمی شناسند ، ولی برای کار سازمانی باید در هر قدم امنیت آنها را سازمان تأمین کند . کسانی که اسرار خانوادگی خود را حتی از نزدیکترین دوستان خود می پوشانند ، ولی اسرار سازمانی را بر سر کوچه وبازار جار میزنند؛ کسانیکه در

زندگی خصوصی خود با انطباق اند ، ولی در زندگی سیاسی خود هیچ نوع انطباق نمی شناسند ؛ کسانی که برای اهداف شخصی خود شب و روز در تلاش واند برنامه ای را که برای کار خود وضع کرده اند ، بدون کم وکاست اجراء می کنند ، ولی به برنامه وضع شده سازمان توجهی مبذول نمی دارند؛ و کسانی که به خط مشی سازمان اعتقاد ندارند ، ولی به آن تظاهر میکنند ویا به آن فقط اعتقاد دارند ، ولی آن را در عمل پیاده نمی کنند و در عمل خلاف آن را پیاده میکنند؛ دارای اخلاق انقلابی نیستند».

آن عده از رفقای که استعداد و زیرکی خود را در فریب رفقای خود به کار میبرند، دارای اخلاق مغایر با اخلاق انقلابی اند . این رفقا که اعتماد رفیقانه را ضریب می زنند، نیرنگ بازی لومپانه را جای گزین صداقت انقلابی می سازند ، درون خوری و اضمحلال تدریجی سازمان را دامن میزنند، از جمله بدترین افراد در میان ما اند .

نظم را در سازمان قبل از هر چیز باید از نظر ایدئولوژیک به وجود آورد . ریشه تمامی انحرافات را قبل از همه درحوزه تئوریک برکنند . انحرافات را فقط با اصولیت میتوان از میدان بدر کرد .

- ما باید در بررسی های خود از اوضاع جاری به مطالعه و تحقیق دقیق بپردازیم . طرح هر موضوعی تحلیل خاص خود را نیز می طلبد . در غیر آن ما در میان انبوهی از فاکت ها و تضاد ها دچار سرگیجه شده و از درک تضاد ها ناتوان خواهیم ماند و در نتیجه به شناخت لازم از موضوع مورد مطالعه نمی رسیم .

- عده ای رفقا که از درک مسائل ناتوان اند و روش دیالکتیکی یافتن تضاد ها و مشخص ساختن تضاد اساسی و عمده را به کار نمی برند ، در مطالعه پدیده های اجتماعی و اوضاع و رخداد های سیاسی ، پیوند های درونی و بیرونی ، رابطه علت و معلول و جنبه های مختلف آن پدیده را در نمی یابند .

- عده ای هم هستند که با پاره ای از معلومات خویش فخر فروشی نموده و همین که در مقابل حرف این عده صحبت ویا هم نظر خلاف میل شان بیان دارید ، با هزار و یک نوع نقل قول سیاه خود را سپید جلوه می دهند ، اینان خوش دارند که با مورد و بی مورد تمجید و توصیف شوند . این گونه خصال دور از اخلاق انقلابی بوده و باید با انتقاد و انتقاد از خود ، با شکیبائی و حوصله مندی رفیقانه با آن برخورد نمود.

- برخی رفقای هم هستند که در مقابل اجرای امور سازمانی خیلی ها تنبل و بی علاقه اند ، اما در امور شخصی خویش خیلی فعال اند . کنه و ماهیت این گونه خصال را باید در عدم اعتقاد ایدئولوژیک این افراد پی گرفت ، ولو اینکه حاملان آن ادعای انقلابی و سرخ بودن هم داشته باشند .

- زمانیکه یک عضو سازمان انقلابی ساحة کار فعالیت انقلابی خود را در نیابد و انرژی خود را به نیروی مولد تبدیل ننماید، به پاسیوته درمی افتد ، بالای زمین و زمان سخن پراگنی بی مورد نموده و به شکوه آغاز مینماید که این به نوبه خود درون خوری تشکیلاتی را گسترده میسازد .

- تصمیم گرفتن روی موضوعات سازمانی وظیفه کمیته اساسی هر واحد تشکیلاتی از طریق جلسات آن میباشد؛ نه مربوط به یک فرد آن کمیته که در آن صورت از کمیته های سازمانی به جز نام ، چیزی باقی نخواهد ماند .

- در حالی که به عنوان نیروی خصم امپریالیسم . ارتجاع از شش جهت زیر ضربات مرگبار این دو نیروی اهریمنی قرار داریم ، انبوهی از افکار و ایده های غیرانقلابی هر دم سر راه ما سبز میشود مارا به خود مشغول می دارد .

- یگانه راه حل ، تربیت نسل جدیدی از کادر ها است که بتوانند با دستان توانا، مغز های آگاه و نیروی سرشار از تعهد انقلابی در پیشگاه تاریخ و ستمکشان ، مسئولیت های انقلابی را به دوش گیرند . برای

نیل به این مأمول باید به کار آموزشی رفقا توجه جدی مبذول داشت و این تنها با خواندن چند جلد کتاب میسر نمیشود. باید به گونه‌ی خاص برنامه‌ی مشخص تربیت فعالان با استعداد و آماده به تربیت شدن را از قلمرو تشکیلات گلچین کرده و زمینه‌های مادی و معنوی تربیت و آموزش ضریتی آنان را فراهم ساخت. در این امر خطیر همه واحد‌های سازمانی از هر نگاه و به قدر وسع و توان مسؤلیت دارند. این رفقای جوان باید تئوری انقلابی را درارتباط دیالکتیکی با واقعیت‌های جاری ملی و بین‌المللی فرابگیرند و گام به گام در آن حدی از غنای تئوریک ارتقاء یابند که بتوانند در پرتو آن قانونمندی‌های جامعه و جنبش خودرا کشف نمایند و در پی تغییر آن برآیند.

- بیرون شدن از درون خوری تشکیلاتی فقط از طریق توجه جدی به سلول‌های ابتدائی تشکیلات، ارتقاء سطح فهم رفقای مبتدی و جوان، سازماندهی آنها بر پایه‌ی موازین تشکیلاتی، جمع بندی کار تشکیلاتی شهر و، روستا گزارش دهی و گزارش گیری منظم و هماهنگ کادرهای مسؤول در تمام سطوح و... میسر خواهد شد. بدون این کار شاق و با حوصله نمی‌توان انتظار داشتن صفوف سالم رو به رشد، رهبری زنده و با اوتوریت و سازمان ادامه کار را داشت.

رفقا! تاریخ جامعه ما از حرکت باز نخواهد ایستاد و، این ایام وحشت را مداومتی هرگز نخواهد بود. هیچ پدیده‌ای به جای خود برای همیشه نخواهد بود و همه چیز در حال حرکت و تغییر است. اکنون امپریالیست‌های متجاوز آمریکا - ناتو و ارتجاع منطقه همراه با ارتجاع بومی مقدرات کشور و خلق ستمکش ما را در دست داشته و چون گرگان گرسنه به خوردن گوشت و خون مردم مظلوم و دریند ما مصروف اند. باید با چنگ زدن به اندیشه‌هایان قلابی و خود سازی و انسجام خویش در روشنائی آن، نگذاریم که موجودیت صرف موانع و دشواری‌های ذاتی امر مبارزه، مانع راه پیمائی تاریخی ما درراه برگزیده گردد.

از این طریق است که می‌توانیم در پیشاپیش مبارزات ستمکشان کشور، سد‌ها و موانع دشمنان را یکایک با درایت و تدبیرانقلابی از راه برداشته و مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق در خون تپیده خویش را تا به قله‌های پیروزی هدایت نموده و آرمان جانبازان سترگ خویش را مدبرانه پیگیری نمائیم. با گام زنی در مسیر انقلاب کشوراست که به مبارزات مشترک طبقه کارگر و خلق‌های تحت ستم جهان مدد رسانیده می‌توانیم.

پس دست به دست هم به پیش!

یامرگ یا پیروزی!

سوم حوت 1394 شمسی